



Analyzing the Reform Process in the World Trade Organization

Mahmoud Reza Jalili

Master's Student, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.

Email: Mahmoodrezajalili@gmail.com

Mehdi Fakheri

Associate Professor, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: m.fakheri@sir.ac.ir

Abstract

Reforms in the World Trade Organization (WTO) have been a persistent topic since its establishment, encompassing issues such as the reform of special and differential treatment and the reform of consensus-based decision-making mechanisms. Persistent disagreements between developed and developing countries, as well as their divergent perspectives on the foundational purpose of the organization, have thus far hindered the realization of reforms. Developed countries regard the ultimate goal of the WTO as the establishment of free trade among nations and advocate for its extension to electronic commerce and intellectual property trade. Conversely, developing countries consider the primary objective to be the development of all member states, emphasizing that adopting a comprehensive outcome from the Doha Development Round is a prerequisite for initiating new negotiations aimed at organizational reform. Moreover, following the crisis in the Dispute Settlement Body triggered by the United States, reforming this organ has emerged as one of the most contentious aspects of WTO reform. Achieving consensus in decision-making has effectively stalled the organization's policy-making mechanisms, while new issues in international trade, such as electronic commerce, have introduced additional complexities compared to the WTO's founding context. Considering recent developments in international trade, including the COVID-19 pandemic and changes in U.S. administration, the necessity for comprehensive reforms in the WTO has become increasingly unavoidable. This study employs a descriptive-analytical approach to identify the key factors influencing the WTO reform process and to assess the potential impact of these reforms on the organization's future and the broader international trade system.

Keywords: WTO reform, international trade negotiations, Appellate Body crisis, Doha Development Round



واکاوی روند اصلاحات در سازمان جهانی تجارت

محمودرضا جلیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین الملل، وزارت امور خارجه، تهران، ایران
Email: Mahmoodrezajalili@gmail.com

مهدی فاخری

دانشیار دانشکده روابط بین الملل، وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: m.fakheri@sir.ac.ir

چکیده

موضوع اصلاحات در «سازمان جهانی تجارت» از زمان تأسیس این سازمان مطرح و مسائلی مانند اصلاح رفتار متمایز و اصلاح سامانه تصمیم‌گیری براساس اجماع همواره مورد بحث بوده‌اند. اختلافات همیشگی کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و نگاه متفاوت این دو گروه به فلسفه وجودی سازمان تاکنون از به نتیجه رسیدن اصلاحات در سازمان جلوگیری کرده است. کشورهای توسعه‌یافته هدف نهایی این سازمان را ایجاد تجارت آزاد بین کشورهای می‌دانند و معتقدند تجارت آزاد باید به تجارت الکترونیک و تجارت مالکیت فکری گسترش یابد و در مقابل کشورهای در حال توسعه، هدف نهایی سازمان را توسعه همه کشورهای قلمداد می‌کنند و تصویب یک نتیجه کلی از مذاکرات «دور توسعه دوحه» را پیش شرط شروع مذاکرات جدید برای اصلاح سازمان اعلام می‌نمایند. علاوه بر این در سال‌های گذشته و بعد از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف توسط ایالات متحده آمریکا، اصلاح رکن مذکور نیز به یکی از چالشی‌ترین موضوعات در روند اصلاحات سازمان بدل شده است. همچنین رسیدن به اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان عملاً سازوکار تصمیم‌سازی را با بن‌بست روبه‌رو ساخته و موضوعات جدیدتر در تجارت بین الملل مانند تجارت الکترونیک نسبت به زمان تأسیس سازمان شرایط متفاوت‌تری را ایجاد کرده‌اند. به نظر می‌رسد مشکلات پیش‌گفته با توجه به تحولات تأثیرگذار در تجارت بین الملل در سال‌های گذشته مانند همه‌گیری بیماری کرونا و همچنین تغییر رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، نیاز به اصلاحات در سازمان را در سال‌های آینده امری اجتناب‌ناپذیر کرده است. از همین رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این مسئله بوده است که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت کدام‌اند و تأثیر این روند بر آینده سازمان و نظام تجارت بین الملل چگونه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات سازمان جهانی تجارت، مذاکرات تجارت بین الملل، بحران رکن استیناف، دور دوحه

پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه راهبردهای دیپلماسی در سازمان‌های بین المللی

<http://sazmanbeynolmelal.csr.ir> / E-ISSN: 2588-6665



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه پژوهشکده تحقیقات راهبردی و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست.

مقدمه

سازمان جهانی تجارت به عنوان یکی از مهم ترین سازمان های بین المللی از جایگاهی ممتاز در تجارت بین الملل برخوردار است. این سازمان در سال ۱۹۹۵ و پس از هفت سال مذاکرات موسوم به «دور اروگوئه» جایگزین موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت شد و در طول ۲۵ سال فعالیت خود به دنبال قاعده مند کردن تجارت بین الملل و کاهش تعرفه های گمرکی و از بین بردن موانع تجارت آزاد بین کشورهای جهان بوده است.

بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت قدمتی به اندازه تاریخ آن دارد. پس از ناکامی مذاکرات دور دوحه، در سال ۲۰۰۸ دیدگاه اعضای در حال توسعه و اعضای توسعه یافته در بحث اصلاحات از هم فاصله گرفت. در سال ۲۰۱۷ و در کنفرانس وزرای یازدهم در بوئنوس آیرس آرژانتین، ایالات متحده در بیانیه ای جامع خواستار اصلاحات سازمان جهانی تجارت شد و با جلوگیری مجدد از انتصاب قضات برای هیئت استیناف رکن حل اختلاف سازمان، این رکن را وارد بحران ساخت. به این ترتیب بحث اصلاحات در سازمان در کانون توجهات قرار گرفت و باعث شد پیشنهاد های زیادی برای اصلاح سازمان جهانی تجارت روانه دبیرخانه این سازمان شود.

اعضای توسعه یافته سازمان و اعضای در حال توسعه نظرات متفاوتی در زمینه اصلاحات دارند. ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به نمایندگی از کشورهای توسعه یافته خواهان اصلاحات موضوعاتی مانند رفتار متمایز و ویژه در سازمان، اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی، اصلاح سازوکار تصمیم گیری و همچنین اصلاح رکن استیناف سازمان هستند و در مقابل، کشورهای در حال توسعه به رهبری چین و هند عقیده دارند که برای شروع دور جدیدی از مذاکرات با هدف اصلاحات سازمان جهانی تجارت، ابتدا باید مذاکرات دور توسعه دوحه در یک جمع بندی کلی به تصویب برسد و سپس مذاکرات جدید آغاز شود.

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی بوده و تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که مهم ترین عوامل مؤثر بر روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت چیست و تأثیر این روند بر آینده سازمان و نظام تجارت بین الملل چگونه است؟ فرضیه بحث نیز این بوده که نقش تجارت بر توسعه، عدم اجرای مؤثر موافقت نامه ها، پیچیدگی روش تصمیم گیری، تغییر نگرش حاکم بر تجارت بین الملل و اختلافات عمیق کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته از عوامل مؤثر بر روند اصلاحات بوده و تاکنون مانع به نتیجه رسیدن اصلاحات در این سازمان شده اند.



۱. پیشینه پژوهش

درباره اصلاحات در سازمان جهانی تجارت منابع متعددی وجود دارد که برخی از این منابع عبارت‌اند از:

مقاله «آمریکا و چالش سازوکار حل اختلاف سازمان جهانی تجارت» از مهدی فاخری: این مقاله به بررسی ریشه‌های بحران ایجادشده توسط ایالت متحده آمریکا در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌پردازد. نویسنده در بخشی از این مقاله می‌نویسد: «از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت مسائلی مانند تصمیم‌گیری به روش اجماع، رفتار متمایز و ویژه برای کشورهای توسعه‌یافته، اجرای موافقت‌نامه‌ها به نحو دقیق قبل از مذاکره و توافق درباره موضوعات جدید مطرح بوده و کشورهای مختلف خواستار انجام اصلاحاتی در سازمان برای آزادسازی تجاری واقعی و دستیابی به تجارت عادلانه بوده‌اند» (فاخری، ۱۳۹۹: ۳۵).

مقاله «آینده سازمان جهانی تجارت: فراتر از مدل کلوب» نوشته محسن شریعتی‌نیا: این مقاله به بررسی روندهای متحول‌کننده سازمان جهانی تجارت می‌پردازد و می‌آورد: «گسترش نقش کشورهای درحال توسعه در سازمان جهانی تجارت باعث پیچیده‌تر شدن روند تصمیم‌گیری گردیده است؛ به‌گونه‌ای که از یک‌سو ظرفیت قدرت‌های سنتی تجارت جهانی به‌ویژه آمریکا را برای شکل‌دهی دستور کار مذاکرات و مدیریت فرایند آن کاهش داده و از سوی دیگر تمایل این کشورها را برای پرداخت هزینه در جهت توفیق مذاکرات کمتر کرده است» (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

کتاب «اصلاحات سازمان جهانی تجارت و بحران چندجانبه‌گرایی» اثر فیصل اسماعیل^۱: نویسنده در این کتاب معتقد است که سازمان جهانی تجارت از همان بدو تأسیس درگیر بحث اصلاحات بوده است؛ اما دو موج اصلی اصلاحات در طول دوره ۲۵ سال فعالیت آن وجود داشته است؛ موج نخست پس از فروپاشی مذاکرات دور دوحه و موج دوم بعد از بحران رکن حل اختلاف. نویسنده در ادامه اصلاحات پیشنهادشده توسط اعضا در این دو موج را بررسی می‌کند (Ismail, 2020).

کتاب «رکن استیناف سازمان جهانی تجارت و اصلاح آن»، نویسندگان: جونجی ناکاگاوا^۲، چانگ‌فالو^۳ و سای فانگچن^۴: این کتاب تجزیه و تحلیل کاملی از رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و بحران ایجادشده در رکن استیناف این نهاد ارائه

1. Faizel Ismail

2. Junji Nakagawa

3. Chang-faLo

4. Tsai-FangChen

می‌دهد و رکن استیناف را به‌منزله جواهری بر تاج تجارت جهانی می‌داند که ممکن است فقدان آن، به نابودی سازمان جهانی تجارت منجر شود. این کتاب به جنبه‌های مختلف این بحران و شیوه اصلاح آن می‌پردازد و بحران ایجادشده در رکن حل اختلاف سازمان را عامل مهمی در روند اصلاحات سازمان می‌داند (Chang-fa, Nakagawa, Tsai-). (Fang, 2019).

مقاله «نیاز برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت: برای کنترل تجارت جهانی از کجا شروع کنیم؟» از مهمت اکمان^۱ و پنج نفر دیگر: این مقاله که به‌عنوان جلسه توجیهی^۲ برای اجلاس سال ۲۰۲۰ «گروه بیست»^۳ در عربستان سعودی ارسال شده، به بررسی شش پیشنهاد اصلی برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت پرداخته است. تمامی این پیشنهادها بر سه جنبه عملکردی سازمان، یعنی «شفافیت»، «نظارت» و «رکن حل اختلاف» متمرکز هستند. براساس این مقاله چالش اصلی موجود که باعث بن‌بست در سازمان شده، رقابت ژئوپلیتیکی بین اعضا بوده است و بن‌بست ایجادشده در رکن استیناف می‌تواند به‌منزله فروپاشی رکن حل اختلاف باشد و این موضوع باید هرچه سریع‌تر حل‌وفصل گردد (Akman et.al, 2020).

مقاله «راه‌های خروج سازمان جهانی تجارت از بحران دسامبر»، از لورا وون دنیل^۴، سوزاندروگه^۵ و الکساندرا بوگنر^۶: این مقاله به بررسی بحران به وجود آمده در سال ۲۰۱۹ در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت پرداخته و این بحران را بزرگ‌ترین بحران سازمان از زمان تأسیس تاکنون دانسته است؛ ضمن این‌که به اتحادیه اروپا پیشنهادی سه‌گانه‌ای برای خروج سازمان از بحران موجود ارائه می‌دهد و بر حفاظت از نقش سازمان جهانی تجارت در حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی تأکید می‌کند (Daniels, Droge, Bogner, 2019).

مقاله «آگاهی از اصلاحات سازمان جهانی تجارت، عملکرد رکن حل اختلاف ۲۰۲۰-۱۹۹۵» از برنارد هوکمن^۷، پتروس ماورودیس^۸ و ماریا سالوسته^۹: این مقاله با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌ها از پرونده‌های حل اختلاف در طول عمر سازمان جهانی تجارت، به بررسی عملکرد رکن حل اختلاف سازمان پرداخته است. نویسندگان معتقدند وجود

1. M. Sait Akman

2. Policy Brief

3. G20

4. Laura von Daniels

5. Susanne Droge

6. Alexandra Bogner

7. Bernard Hoekman

8. Petros C. Mavroidis

9. Maarja Saluste



رکن حل اختلاف برای سازمان جهانی تجارت ضروری است؛ اما برای بهبود کارایی این رکن، مواردی مانند حل به موقع تعارضات و جلوگیری از طولانی تر شدن روند حل اختلاف نیاز به انجام اصلاحات دارد (Hoekman, Mavroidis, Saluste, 2020).

۲. مبانی نظری

در مورد چهارچوب نظری موضوع اصلاحات سازمان جهانی تجارت، بهتر است نظریه‌ای انتخاب شود که عملکرد ۲۵ ساله آن را بهتر تبیین کند. هدف اصلی این سازمان کاستن تعرفه‌های گمرکی بین اعضا بوده و در طول فعالیتش به خوبی به این مهم دست یافته است. علاوه بر این، قواعد سازمان جهانی تجارت بر قواعد کشورهای عضو برتری دارد و این سازمان بین‌المللی، نقشی مستقل در تجارت بین‌الملل ایفا می‌کند و در طول حیاتش از پدیده جهانی شدن تأثیر پذیرفته است.

در تحلیل عملکرد سازمان جهانی تجارت، موضوع جهانی شدن اهمیت بسیاری دارد و بهتر است برای چهارچوب نظری پژوهش حاضر نظریه‌ای انتخاب شود که این پدیده را بهتر پوشش می‌دهد که از بین مکاتب روابط بین‌الملل، لیبرالیسم در اولویت قرار دارد.

جهانی شدن به عنوان یک فرایند نباید چیزی جز تک‌محوری شدن گیتی و حاکمیت بنیان‌ها و ارزش‌های لیبرال در نظر گرفته شود. جهانی شدن در واقع نافذ شدن و اعتبار یافتن منطق حاکمیت عقل در برابر الزامات فرا مادی، اعتبار یافتن فرد در جایگاه مرجع و مأخذ، پذیرش منطق سیر صعودی قدرت سیاسی و به عرصه آمدن تنوع و رقابت، به عنوان سبیل‌های زیست بشری است؛ به عبارت دیگر، ماهیت و جوهره لیبرالیسم و جهانی شدن یکسان است (دهشیر، ۱۳۸۸: ۵۳).

همچنین درباره نقش سازمان‌های بین‌المللی در روابط بین‌الملل بین نظریات گوناگون اختلاف وجود دارد؛ به طوری که برخی از نظریه‌ها از نقش مستقل و برخی دیگر از عدم استقلال سازمان‌های بین‌المللی صحبت می‌کنند. استوار بودن نظریات واقع‌گرایی بر دولت‌محوری باعث شده که آن‌ها نقش مستقلی برای سازمان‌های بین‌المللی قائل نباشند؛ اما در مورد نظریات لیبرالیستی و به ویژه نظریه نئولیبرالیسم شرایط متفاوت است. البته گروهی از لیبرال‌ها دولت‌ها را بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل محسوب نمی‌کنند؛ اما نئولیبرال‌ها دولت‌ها را بازیگران اصلی روابط بین‌الملل می‌دانند و برای همکاری با یکدیگر به کمک نهادهای بین‌المللی در فضای آنارشیکی آمادگی دارند. «رابرت کوهن» در این رابطه اظهار کرده است: «نئولیبرالیسم مانند

نواقعی گرایى دولت محور است، ولى نقش مستقل و مؤثرى برای سازمان های بین المللى قائل است. کشورها که در پی بیشینه سازی سود و منفعت خود هستند، سازمان های بین المللى را تأسیس و تقویت می کنند تا منافع رفاهى خود را افزایش دهند. از این رو، سازمان های بین المللى ابزاری در دست کشورهای عاقل هستند تا اهداف و منافع خود را که به صورت یک جانبه قابل حصول نیست، با کم ترین هزینه تأمین کنند» (Keohane, 1984, pp. 80-83).

در مجموع به نظر می رسد برای انتخاب چهارچوب نظری بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت، نظریه نئولیبرالیسم جامع ترین نظریه باشد. این نظریه برای سازمان جهانی تجارت، به عنوان یک نهاد بین المللى نقشی مستقل در روابط بین الملل قائل است. همچنین سازمان جهانی تجارت سمبل جهانی شدن در ۲۵ سال گذشته شناخته می شود و نظریات لیبرالیستی به مثابه جوهره جهانی شدن، این پدیده را به خوبی پوشش می دهند. علاوه بر این، نئولیبرالیسم به عنوان یکی از مکاتب اقتصاد سیاسى بین المللى در مقایسه با نظریات مارکسیستی و واقع گرایی، در تحلیل عملکرد سازمان جهانی تجارت از جایگاه بهتری برخوردار است.

۳. اصلاحات سازمان جهانی تجارت

بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت از زمان تأسیس این سازمان مطرح بوده، اما در طول حیات سازمان در دو برهه زمانی توجه بیشتری به آن شده است: نخست، بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات دوحه و دوم پس از بحران ایجادشده در رکن حل اختلاف سازمان توسط ایالات متحده آمریکا.

در یک بررسی کلی از پیشنهادهای اعضا برای اصلاحات در سازمان جهانی تجارت، محورهای زیر استخراج می شود:

- ❖ اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان؛
- ❖ اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی؛
- ❖ اصلاح سامانه تصمیم گیری در سازمان جهانی تجارت؛
- ❖ اصلاح رکن حل اختلاف سازمان؛
- ❖ موضوعات جدید در تجارت بین الملل.

در ادامه به بررسی جزئی تر هریک از این موضوعات و دیدگاه های متفاوت اعضای سازمان در هر مورد پرداخته می شود.



۳-۱. رفتار متمایز و ویژه

رفتار متمایز و ویژه را می‌توان مهم‌ترین موضوع مورد اختلاف در سازمان جهانی تجارت دانست. این رفتار در سال‌های گذشته چالش‌های زیادی را بین اعضای توسعه‌یافته و اعضای درحال توسعه سازمان ایجاد کرده است و یکی از پایه‌های اصلی اصلاحات سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود.

کشورهای درحال توسعه در فرایند مذاکرات دور اروگوئه تلاش کردند که اصل رفتار متمایز و ویژه را یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت معرفی کنند؛ چون از دید آن‌ها تجارت وسیله‌ای برای توسعه است و سازمان در قبال توسعه اعضا مسئولیت دارد. در مقابل به اعتقاد کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی سازمان جهانی تجارت، آزادسازی تجارت بین‌الملل بوده و برای تشویق آن‌ها و با هدف ایجاد روابط تجاری متعادل، پذیرفته‌اند امتیازاتی به این کشورها اعطا کنند تا آنان نیز در مذاکرات دور اروگوئه تعهداتی بپذیرند. رفتار متمایز و ویژه به‌عنوان یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت در موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه گنجانده شده است.

موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت شامل مقررات ویژه‌ای هستند که برای کشورهای درحال توسعه حقوق ویژه‌ای در نظر می‌گیرند و به کشورهای توسعه‌یافته این امکان را می‌دهند که با کشورهای درحال توسعه رفتار مطلوب‌تری نسبت به سایر اعضای سازمان جهانی تجارت داشته باشند. این مقررات خاص شامل دوره‌های زمانی طولانی‌تر برای اجرای موافقت‌نامه‌ها و تعهدات و اقداماتی جهت افزایش فرصت‌های تجاری برای کشورهای درحال توسعه است (WTO, 2021).

کشورهای درحال توسعه رفتار متمایز و ویژه موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان را کافی تشخیص ندادند و در تلاشی همه‌جانبه بحث توسعه در سازمان جهانی تجارت را به‌عنوان دغدغه اصلی خود مطرح کردند و موفق شدند مذاکرات دور دوحه را با عنوان مذاکرات دور توسعه‌ای دوحه در سازمان مطرح کنند؛ ولی کشورهای غربی به تدریج از زیر بار تعهدات مزبور شانه خالی کردند و سرانجام در سال ۲۰۰۸ ادعا کردند که به دلیل ترکیب متفاوت اقتصاد کشورهای درحال توسعه نمی‌توانند امتیازات یکسانی را به همه اعطا کنند. مهم‌ترین دلیل شکست مذاکرات را می‌توان تغییر در جغرافیای سازمان و به قدرت رسیدن برخی از کشورهای درحال توسعه مانند چین، هند و برزیل و عدم تحمل این موضوع از سوی کشورهای توسعه‌یافته دانست.

از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ چندین پیشنهاد برای اصلاح رفتار متمایز و ویژه سازمان جهانی تجارت به دبیرخانه این سازمان ارائه شده که جامع‌ترین آن‌ها از طرف

ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا بوده است و کشورهای درحال توسعه هم در پاسخ به کشورهای توسعه یافته، پیشنهادهای خود را به دبیرخانه سازمان ارائه کرده اند. در ادامه اصلاحات پیشنهادی توسط کشورهای توسعه یافته و همچنین کشورهای درحال توسعه جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه بررسی می شود.

۳-۱-۱. پیشنهاد کشورهای توسعه یافته جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه

کشورهای توسعه یافته تا سال ۲۰۲۰، برای اصلاح رفتار متمایز و ویژه سازمان جهانی تجارت سه پیشنهاد به دبیرخانه این سازمان ارائه کرده اند؛ دو پیشنهاد ایالات متحده آمریکا و یک پیشنهاد اتحادیه اروپا که پیشنهاد اول ایالات متحده آمریکا را می توان جامع ترین پیشنهاد در سال ۲۰۱۹ دانست.

در پیشنهادهای ایالات متحده و اتحادیه اروپا حداقل سه استدلال اصلی زیر وجود دارد:

۱. برخی از کشورهای درحال توسعه دیگر نباید اجازه داشته باشند که خود را «درحال توسعه» اعلام کنند، زیرا این تعریف به دلیل گام های بزرگ این کشورها در مسیر توسعه، برای آنها منسوخ شده است. گام های توسعه ای این کشورها عبارت اند از: کاهش فقر، افزایش سهم صادرات، افزایش سرمایه گذاری های مستقیم خارجی، افزایش هزینه های دفاعی، افزایش ابررایانه ها، افزایش تعداد شرکت هایشان در ۵۰۰ شرکت ثروتمند دنیا و افزایش تعداد ماهواره هایشان در فضا.

۲. کشورهای نوظهور درحال توسعه وضعیت خود را درحال توسعه معرفی می کنند تا از زیر بار فشار کمک های معنادار به سایرین شانه خالی کنند و تعهدی را نپذیرند و این به ضرر کشورهای توسعه یافته ای است که باید به همه تعهدات موجود در سازمان پایبند باشند.

۳. ناتوانی در تمایز بین اعضای درحال توسعه سازمان جهانی تجارت، این سازمان را در مسیر مذاکرات ناموفق قرار داده است (Ismail, 2020, p. 29).

نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان جهانی تجارت در پیشنهاد دوم خود در فوریه ۲۰۱۹ در توضیح عبارت «کشورهای نوظهور درحال توسعه» عنوان می کند که باید دسته های زیر از کشورهای درحال توسعه از شمول رفتار متمایز و ویژه خارج شوند:

۱. کشورهای درحال توسعه عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی؛

۲. اعضای گروه ۲۰؛



۳. کشورهای درحال توسعه که بانک جهانی آن‌ها را با عنوان کشورهای با «درآمد بالا» تقسیم‌بندی می‌کند؛

۴. کشورهای با ۵/۰ درصد یا بیشتر از تجارت جهانی کالا (WTO, 2019).

اتحادیه اروپا نیز برای رفع شکاف بین کشورهای درحال توسعه مطرح در ابتدا سه پیشنهاد ارائه کرده تا برخی از کشورهای درحال توسعه از شمول رفتار متمایز و ویژه در سازمان خارج شوند و کشورهایی که تمایل به استفاده از این امتیاز دارند توضیح دهند که چگونه می‌خواهند از رفتار متمایز و ویژه در جهت توسعه خود استفاده کنند و تاریخی را برای پایان استفاده از رفتار متمایز و ویژه مشخص نمایند. اتحادیه اروپا در پیشنهاد دوم عنوان کرده است که باید براساس نیاز و شواهد رفتار متمایز و ویژه‌ای برای موافقت‌نامه‌های آینده سازمان اجرا شود؛ به این معنی که همه طرف‌ها باید برای شروع، اجرای کامل موافقت‌نامه‌های سازمان را به عنوان هدف اصلی خود تصدیق کنند و انعطاف‌پذیری در تعهدات اضافی سازمان متناسب با تعداد اعضای درگیر در هر موافقت‌نامه اعمال شود. در پیشنهاد سوم نیز عنوان شده که اگرچه اتحادیه اروپا معتقد است مقررات موجود برای رفتار متمایز و ویژه باید ادامه یابد، اما تأکید می‌کند که هرگونه درخواست برای رفتار ویژه و متمایز اضافه بر موارد قبلی، به تعیین یک هدف توسعه‌ای مشخص نیاز دارد (Bacchus, Manak, 2020, pp. 8-9).

۳-۱-۲. پیشنهاد کشورهای درحال توسعه جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه

در مقابل دیدگاه‌های ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، برخی از اعضای کشورهای درحال توسعه اقدام به ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت کردند. کشورهای درحال توسعه هیچ‌گاه از نظر دیرینه خود مبنی بر حمایت کامل از رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت دست برنمی‌دارند و معتقدند که ترتیبات کنونی در فراهم آوردن رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت رفتاری مناسب در تجارت بین‌الملل به حساب می‌آید.

در مهم‌ترین اقدام اعضای درحال توسعه سازمان، چین و ۹ عضو دیگر سازمان در بیانیه‌ای جامع که در فوریه ۲۰۱۹ تسلیم دبیرخانه سازمان جهانی تجارت شد، استدلال‌هایی برای رد پیشنهاد ایالات متحده آمریکا ارائه کردند. کشوری چین، هند، آفریقای جنوبی، ونزوئلا، لائوس، بولیوی، کنیا، کوبا، پاکستان و جمهوری آفریقای مرکزی استدلال کردند که رفتار متمایز و ویژه یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت و از حقوق اساسی کشورهای درحال توسعه محسوب می‌شود و پس از مذاکرات

طولانی به این کشورها اعطا شده است و تلاش های ایالات متحده آمریکا برای کم اهمیت نشان دادن اختلافات بین اعضای توسعه یافته و اعضای در حال توسعه از طریق شاخص های اقتصادی خاص، بیشتر نشان دهنده شکاف های توسعه ای بین اعضای سازمان جهانی تجارت است. در ادامه ۱۰ کشور در حال توسعه به تفاوت بین تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته اشاره و استدلال کرده اند: «توسعه یافتگی در پیشرفت افراد معنی می شود و برای ارزیابی میزان توسعه یک کشور باید شاخص های سرانه هر کشور در اولویت قرار بگیرد که بین تولید ناخالص داخلی سرانه ایالات متحده آمریکا و کشورهای در حال توسعه پیشرفته تر مانند چین، هند، اندونزی و برزیل، اختلاف زیادی وجود دارد» (WTO, 2019). این کشورها همچنین استدلال می کنند: «وضعیت کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه در چانه زنی ها مشخص نمی شود، بلکه در قوانین نهایی این کشورها نهفته شده است و هر عضو در حال توسعه براساس شرایط خود به تنهایی تصمیم می گیرد که آیا چه وقت و کجا و تا چه میزان خود را از شمول رفتار متمایز و ویژه خارج کند» (WTO, 2019).

به نظر می رسد یکی از مهم ترین عوامل در به نتیجه نرسیدن بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت تاکنون، نبود درک مشترک طرفین درباره رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت باشد و همان طور که مشاهده شد از یک سو کشورهای توسعه یافته به رهبری ایالات متحده آمریکا و از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه به رهبری چین تعارض منافع شدیدی درباره رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت دارند و به نتیجه رسیدن اختلافات در این بحث می تواند مسیر اصلاحات سازمان جهانی تجارت را در سال های آینده هموار سازد.

۳-۲. اصلاح رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

شورای عمومی سازمان جهانی تجارت به عنوان رکن حل اختلاف وظیفه حل و فصل اختلافات سازمان را بر عهده دارد. طبق موافقت نامه حل و فصل اختلاف که در ضمیمه دوم موافقت نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت پیش بینی شده است، اختلافات تجاری بین اعضای سازمان که ممکن است ناشی از هر کدام از موافقت نامه های موجود در سند نهایی دور اروگوئه باشد، به شورای عمومی سازمان جهانی تجارت ارجاع داده می شود. رکن حل اختلاف می تواند برای حل اختلاف به وجود آمده درخواست تشکیل «هیئت رسیدگی»^۱ نماید. این هیئت باید بررسی های خود را ظرف شش ماه و در موارد اضطراری



۹ ماه انجام و گزارش نهایی خود را به رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و طرفین درگیر تحویل دهد.

رکن حل اختلاف موظف است که ۶۰ روز پس از دریافت گزارش هیئت رسیدگی، آن را تصویب کند؛ مگر در دو حالت زیر که به ارجاع پرونده به رکن استیناف منجر می‌شود:

۱. یکی از طرف‌های اختلاف تصمیم خود را برای استیناف خواهی (درخواست تجدیدنظر) رسماً به رکن حل اختلاف اعلام کند.

۲. رکن حل اختلاف با اجماع تصمیم بگیرد گزارش را تصویب نکند.

رکن استیناف سازمان جهانی تجارت یک رکن دائمی در سازمان است که در سال ۱۹۹۵ و طبق ماده ۱۸ موافقت‌نامه حل اختلاف تأسیس شد. تأسیس این رکن یکی از مهم‌ترین ابداعات در نظام حل‌وفصل اختلاف سازمان جهانی تجارت نسبت به «گات» (GATT)^۱ بوده که موجب قضایی‌تر شدن رویه حل اختلاف گشته است. رکن استیناف دارای هفت عضو است که اعضای آن از افراد برجسته‌ای در زمینه حقوق و تجارت بین‌الملل برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند و با توجه به این که احکام این رکن لازم‌الاجرا به حساب می‌آیند، سامانه حل اختلاف سازمان در طول دوره فعالیت خود از کارایی خوبی برخوردار است؛ به‌طوری که از آن به‌عنوان «نگینی بر تاج سازمان جهانی تجارت» نام برده می‌شود (فاخری، ۱۳۹۹: ۲۲).

۳-۲-۱. آمریکا و ایجاد بحران در رکن استیناف سازمان جهانی تجارت

رکن استیناف سازمان جهانی تجارت برای تشکیل جلسات خود نیاز به حضور حداقل سه عضو دارد. ایالات‌متحده آمریکا نخستین بار در سال ۲۰۱۱ از انتصاب مجدد «جنیفر هیلمن»^۲ حقوق‌دان آمریکایی عضو هیئت استیناف جلوگیری کرد. این کشور در اواخر ریاست جمهوری باراک اوباما در سال ۲۰۱۶، رسماً تصمیم جدی خود را برای جلوگیری از انتخاب قضات رکن استیناف اجرا نمود. این سیاست در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات‌متحده آمریکا نیز ادامه یافت و سرانجام در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹ که رکن استیناف فقط سه عضو داشت، دوره چهار ساله «وجال سینگ باتیا»^۳ از هند و «توماس گراهام»^۴ از ایالات‌متحده به پایان رسید و با توجه به جایگزین نکردن

1. The General Agreement on Tariffs and Trade

2. Jennifer Hillman

3. Ujal Singh Bhatia

4. Thomas R. Graham

قاضی جدید، رکن استیناف سازمان جهانی تجارت حدنصاب لازم برای تشکیل جلسات خود را از دست داد. دوره چهار ساله تنها قاضی باقی مانده نیز در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰ به پایان رسید و از آن تاریخ به بعد رکن استیناف سازمان جهانی تجارت هیچ عضوی نداشته است.

با توجه به بحران ایجاد شده در رکن استیناف سازمان جهانی تجارت، اصلاح رکن حل اختلاف به یکی از چالشی ترین موضوعات در روند اصلاحات سازمان تبدیل شده است. ایالات متحده آمریکا که خود بانی اصلی بحران موجود به حساب می آید تا زمان انجام این پژوهش (اکتبر ۲۰۲۱) هیچ پیشنهادی برای اصلاح بدنه استیناف ارائه نکرده است و صرفاً با تکیه بر قوانین داخلی خود استدلال می کند که ادامه کار هیئت استیناف را به صلاح نمی داند و خواهان تغییر رویه این رکن است. هنوز مشخص نشده است که هدف نهایی ایالات متحده از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف چیست؛ برخی از صاحب نظران این سازمان، هدف نهایی ایالات متحده را بازگرداندن شرایط رکن حل اختلاف به شرایط مذاکره شده در دور اروگوئه می دانند و برخی معتقدند بازگشت شرایط به دوران گات، یعنی قبل از تأسیس سازمان جهانی تجارت برای منافع ایالات متحده آمریکا مفیدتر است.

در ادامه به بعضی از اصلاحات پیشنهاد شده برای حل بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت اشاره می شود.

۳-۲-۲. تلاش های اتحادیه اروپا و کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح رکن استیناف

اتحادیه اروپا در سال های گذشته در یک همکاری نزدیک با کشورهای در حال توسعه مانند چین و هند و سایر اعضای فعال سازمان تلاش های زیادی را برای خروج رکن حل اختلاف سازمان از بحران انجام داده و بیانیه های جداگانه ای صادر کرده است که تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند.

به طور کلی پیشنهاد های اتحادیه اروپا در مورد اصلاح بدنه استیناف را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ❖ قوانین سازمان جهانی تجارت باید شرایطی را فراهم کنند که طرفین اختلاف، توانایی درخواست افزایش مهلت ۹۰ روزه هیئت تجدیدنظر را برای به نتیجه رسیدن استیناف خواهی داشته باشند؛
- ❖ برای کمک به افزایش توانایی بدنه استیناف باید تعداد اعضای هیئت تجدیدنظر



- از هفت عضو به ۹ عضو افزایش یابد؛
- ❖ «قوانین انتقالی»^۱ باید در مورد اعضای خروجی هیئت تجدیدنظر وضع شود تا در شرایط خاصی برخی از اعضای هیئت در پایان دوره خود بتوانند استیناف‌خواهی‌هایی را که در طول دوره آن‌ها آغاز شده است تکمیل کنند؛
- ❖ اعضای هیئت استیناف باید فقط برای یک دوره شش تا هشت ساله انتخاب شوند و امکان انتخاب مجدد آن‌ها وجود نداشته باشد؛
- ❖ موضوعات قانونی مورد بحث در رکن استیناف نباید موجب هیچ‌گونه تعریف یا بازبینی در قوانین داخلی اعضا شود؛
- ❖ رکن استیناف فقط باید به موارد ضروری در مصوبات هر اختلاف خاص رسیدگی کند؛
- ❖ باید بین اعضای سازمان جهانی تجارت و هیئت استیناف جلسات سالانه‌ای ترتیب داده شود تا مجالی برای بحث درباره موضوعات گذشته و سیستمیک و روندهای حقوقی و دیدگاه‌های رکن استیناف فراهم گردد.

۳-۲-۳. پاسخ ایالات متحده به تلاش‌های اعضا جهت اصلاح رکن حل اختلاف

هدف نهایی ایالات متحده از ایجاد بحران در رکن استیناف سازمان جهانی تجارت مشخص نیست؛ اما رویه این کشور در مقابل پیشنهادهای سایر اعضا در این زمینه نشان می‌دهد که هدفی فراتر از اصلاح رکن استیناف سازمان در سر دارد. آمریکا تاکنون با هر پیشنهادی برای اصلاح رکن استیناف مخالفت کرده و درحالی‌که برخی از پیشنهادهای می‌توانست موجبات رفع نگرانی‌های اعلامی ایالات متحده را درباره رکن استیناف فراهم کند، از به نتیجه رسیدن آن‌ها جلوگیری نموده است.

در اکتبر ۲۰۱۹ ایالات متحده در بیانیه‌ای جامع خطاب به رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت با رد تمامی پیشنهادهای ارائه‌شده برای اصلاح رکن استیناف سازمان به قانون «گسترش تجارت»^۲ مصوب ۱۹۶۲ ایالات متحده آمریکا استناد کرده است. بر طبق بند ۲۳۲ این قانون رئیس‌جمهور ایالات متحده اجازه دارد، چنانچه واردات یک کالا امنیت ملی این کشور را به خطر بیندازد، از منافع ملی خود محافظت نماید. همچنین طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ اعضای سازمان اجازه دارند اقدامات لازم را برای حمایت از منافع حیاتی خود انجام دهند. ایالات متحده که با استناد به این دو ماده قانونی، تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم را افزایش داده است، در ادامه این بیانیه و در پاسخ به درخواست چین

1. Transitional rules

2. Trade Expansion Act of 1962

مبنی بر ایجاد هیئت برای رسیدگی به اقدامات یک‌جانبه ایالات‌متحده آمریکا درباره صنایع فولاد و آلومینیم به‌صراحت عنوان کرده است: «ما به حزب کمونیسم چین اجازه نخواهیم داد که صنایع فولاد و آلومینیوم ایالات‌متحده آمریکا را که ارتش آمریکا و به‌تبع آن امنیت جهانی به آن وابسته است به نابودی بکشاند» (U.S. Mission in Geneva, 2018, 28).

در بخش دیگری از بیانیه اکتبر ۲۰۱۹ ایالات‌متحده آمریکا بحث را فراتر از اصلاح بدنه استیناف برده و درباره برخی از نگرانی‌های خود در مورد سیاست‌های تجاری چین هشدار داده است. ایالات‌متحده همچنین در مورد مالکیت فکری استدلال کرده است که سیاست‌های خاص چین در ارتباط با صدور مجوز فناوری به یک شرکت چینی اجازه می‌دهد، بعد از پایان قرارداد، استفاده از تکنولوژی کمپانی‌های ایالات‌متحده را ادامه دهد و شرایط نامطلوبی را جهت حمایت از شرکت‌های خود به ایالات‌متحده تحمیل می‌کند. آمریکا در ادامه اظهار کرده است که این اقدامات با تعهدات چین در مواد ۳ و ۲۸ موافقت‌نامه «ترپس» مغایرت دارد (U.S. Mission in Geneva, 2018, (p. 28).

بحران در رکن حل اختلاف را می‌توان نوعی بازگشت به لیبرالیسم اقتصادی از سوی ایالات‌متحده آمریکا دانست که منافع شرکت‌ها و مؤسسات آمریکایی را بر منافع جمعی و توافق جمعی که در روند جهانی‌شدن شکل گرفته بودند، ترجیح می‌دهد. برخی از اعضای سابق هیئت استیناف معتقدند: «درحالی‌که ایالات‌متحده برخی از نگرانی‌های واقعی خود مانند طولانی بودن دوره استیناف‌خواهی را در مورد عملکرد رکن استیناف سازمان اعلام می‌دارد، بیشتر به دنبال استفاده از بحران رکن استیناف به‌عنوان اهرمی برای استخراج امتیازات بیشتر در تلاش گسترده خود برای اصلاح کلی سازمان جهانی تجارت است و تا زمانی که ایالات‌متحده نتواند کل سامانه سازمان جهانی تجارت را به نفع خود متعادل کند، بحران رکن استیناف ادامه خواهد داشت» (Ismail, 2020, p.72).

۳-۳. اصلاح سامانه تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت

بنای تصمیم‌گیری‌ها در سازمان جهانی تجارت براساس اجماع است و همه اعضا از نوعی حق وتو در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار هستند. پیچیدگی‌های ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی و مشکلات روش غیررسمی در تصمیم‌گیری‌های سازمان، روندهای مذاکره‌ای را در بن‌بست‌های طولانی‌مدت قرار داده و در سازمان جهانی تجارت



سازوکار تصمیم‌سازی^۱ را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. «سطح بالای ناهماهنگی در منافع اعضا کاربرد اصل اجماع را بسیار سخت کرده است و می‌توان گفت مذاکرات دور دوحه به دلیل ناتوانی در رسیدن به اجماع در موضوعات مهم رقابت صادراتی، حمایت داخلی و دسترسی به بازار محصولات کشاورزی بی‌نتیجه ماند» (Ansong, 2012, (p. 16. به این ترتیب پس از شکست مذاکرات دور دوحه، همواره از اصلاح روش‌های تصمیم‌گیری در سازمان به عنوان یکی از محورهای اصلی در اصلاحات سازمان جهانی تجارت یاد می‌شود.

کشورهای در حال توسعه از طرفداران سامانه تصمیم‌گیری براساس اجماع هستند و معتقدند با توجه به اختلاف در درآمد سرانه و ظرفیت و توانایی اقتصادی کشورها، سامانه تصمیم‌گیری اجماعی تنها حالتی است که همه کشورها را در وضعیتی برابر قرار می‌دهد و باید ادامه پیدا کند. در طرف مقابل کشورهای توسعه یافته اعتقاد دارند که سامانه رأی‌گیری اجماعی مانع از توانایی اکثریت اعضا در پیشبرد موضوعات در سازمان می‌شود و گروه کوچکی موضوعات مهم را در سازمان در بن بست قرار داده‌اند. اصلاح سازوکار تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت از سال ۲۰۰۸ تا قبل از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف سازمان مهم‌ترین محور اصلاحات در سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شد؛ اما پس از سال ۲۰۱۸ و ایجاد بحران در رکن حل اختلاف، تمرکز بحث اصلاحات سازمان بر روی موضوعات دیگر نیز قرار گرفت. در ادامه به پیشنهاد‌های اصلاح سامانه تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت پرداخته می‌شود.

۳-۳-۱. پیشنهاد کشورهای توسعه یافته جهت اصلاح سامانه تصمیم‌گیری

کشورهای توسعه یافته از بدو تأسیس سازمان جهانی تجارت مخالف شیوه تصمیم‌گیری به روش اجماع بوده‌اند و پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات دور دوحه انتقادات از شیوه تصمیم‌گیری اجماعی به اوج خود رسید. این کشورها روش تصمیم‌گیری اجماعی را مهم‌ترین مانع در تصمیم‌گیری‌های مهم و اساسی در سازمان جهانی تجارت قلمداد می‌کنند و معتقدند کشورهای کوچک‌تر در سازمان جهانی تجارت برای افزایش وزن خود در تصمیم‌گیری‌ها از شیوه تصمیم‌گیری اجماعی سوءاستفاده می‌نمایند. در همین راستا کشورهای توسعه یافته سه دسته پیشنهاد را برای اصلاح سازوکار تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت پیشنهاد می‌دهند که در ادامه بررسی می‌شود.

پیشنهاد نخست: حفاظت از اجماع به عنوان یک روش اساسی؛ در این پیشنهاد،

1. Law making

برخی تغییرات رویه‌ای باید به این صورت ایجاد شود که به‌طور مثال وقتی اکثریت کشورها خواهان تصویب یک موضوع هستند و یک عضو مانع تصویب آن می‌شود، آن عضو موظف باشد که چرایی اقدام خود را توضیح دهد. گزارش «ساترلند»^۱ در سال ۲۰۰۴ توصیه کرده است عضوی که خواهان جلوگیری از تصمیم‌گیری است باید کتباً اعلام کند این موضوع در منافع ملی آن کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است.

پیشنهاد دوم: تغییر رویکرد به رأی‌گیری وزنی یا به‌اصطلاح وزن بحرانی؛^۲ برای اتخاذ این رویکرد باید یک هیئت اجرایی تشکیل شود. در رأی‌گیری وزنی به دو صورت عمل می‌شود؛ نخست هنگامی است که برای تصویب یک پیشنهاد اکثریت قریب به اتفاق کشورها موافق باشند و دوم، برای تصویب یک پیشنهاد باید کشورهای موافق آن در حدود ۹۰ درصد از حجم تجارت جهانی را در اختیار داشته باشند. رویکرد رأی‌گیری وزنی را روشی برای اجتناب از «جلوگیری از اجماع» توصیف می‌کنند.

پیشنهاد سوم: ایجاد یک کمیته اجرایی؛ در این راستا دو طرح متفاوت ارائه شده است؛ طرح نخست تقلید از مدیریت صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی است که در آن قدرت تصمیم‌گیری در اختیار یک گروه ۲۰-۳۰ نفره از نمایندگان کشورها قرار می‌گیرد و طرح دوم ایجاد هیئت‌مدیره‌ای است که چنانچه مذاکرات در مجمع عمومی یا کمیته‌های سازمان جهانی تجارت با بن‌بست روبه‌رو شدند، این کمیته به‌عنوان ابزاری جهت سازش در مذاکرات عمل کند و با بررسی استراتژیک شرایط اقدام به طبقه‌بندی اولویت‌های موجود در مذاکرات سازمان نماید (Hokeman, 2011, pp.7-8).

اصلاح روند تصمیم‌گیری پیشنهادی از سوی کشورهای توسعه‌یافته را می‌توان به‌نوعی واگرایی اقتصادی تعبیر کرد که این کشورها دیگر مایل نیستند برای پیشرفت جهانی‌شدن، همه کشورها را در مسائل و تصمیم‌گیری‌ها دخیل کنند و می‌خواهند تصمیمات در یک گروه کوچک ذی‌نفوذ اخذ و به دیگر اعضا ارائه شود و به‌نوعی مذاکرات اتاق سبز گات را دوباره احیا کند یا نهادی مانند شورای امنیت سازمان ملل را در سازمان جهانی تجارت ایجاد نمایند.

۳-۲-۳. پیشنهاد کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح سامانه تصمیم‌گیری

در مذاکرات دور آروگوئه کشورهای در حال توسعه طرفداران اصلی سامانه تصمیم‌گیری اجماعی به شمار می‌رفتند. این سامانه به کشورهای در حال توسعه و همچنین کم‌تر

1. Sutherland

2. Critical mass



توسعه‌یافته که وزن کمتری در تجارت جهانی دارند امکان می‌دهد با سایر کشورها در سازمان جهانی تجارت که از قدرت رأی برابری برخوردار باشند. در سال‌های گذشته نیز اکثر کشورهای در حال توسعه مخالف تغییر شیوه رأی‌گیری اجماعی در سازمان جهانی تجارت بوده‌اند.

در دو دهه گذشته نقش کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت گسترش چشمگیری داشته است. این کشورها که در دوران گات بیشتر در حاشیه مذاکرات تجارت جهانی قرار می‌گرفتند، با افزایش قدرت اقتصادی خود و بهره‌گیری از سازوکار اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان توانستند نقشی محوری در مذاکرات تجارت جهانی و قانون‌سازی در سازمان جهانی تجارت ایفا کنند. کنشگری فعال کشورهای در حال توسعه در کنار عدم تمایل کشورهای توسعه‌یافته به هزینه دادن در سامانه تصمیم‌گیری و قانون‌سازی موجود باعث شکست مذاکرات دور دوحه شد.

گفتنی است کشورهای در حال توسعه در میان خود نیز نظر واحدی درباره اصلاح سازوکار تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت ندارند، اما در نگاهی کلی و در پاسخ به سه پیشنهاد کشورهای توسعه‌یافته می‌توان عنوان کرد کشورهای در حال توسعه به شدت با مدلی شبیه به صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی مخالف هستند و معتقدند که اصل اجماع توانایی آن‌ها را در دفاع از منافع خود به حداکثر رسانده است. البته این روش بین کشورهای توسعه‌یافته نیز طرفدار چندانی ندارد. به نظر می‌رسد طرح دوم در پیشنهاد سوم مورد استقبال کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. این طرح حرکت به سمت ایجاد یک کمیته اجرایی و تأسیس یک گروه با ۳۰ عضو سازمان جهانی تجارت را مطرح می‌کند. اعضای این گروه ۳۰ نفره را برخی از کشورها به صورت عضو دائم و برخی به صورت عضو غیر دائم تشکیل می‌دهند. این گروه برای رسیدن به توافق احتمالی و پیشبرد مذاکرات در سازمان راهنمایی‌هایی ارائه می‌کند (Hokeman, 2011, pp. 8-9).

پس از شکست مذاکرات دور دوحه و ایجاد بن‌بست در تصمیم‌گیری‌های سازمان جهانی تجارت، ایالات متحده در یک برنامه‌ریزی چندساله و با بهره‌گیری از حق وتوی ناشی از سازوکار اجماع در تصمیم‌های سازمان از انتخاب قضات بدنه استیناف رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت جلوگیری و این رکن را وارد بحران کرد؛ به نظر می‌رسد سوءاستفاده ایالات متحده آمریکا از روش اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان موجبات تغییر دیدگاه کشورهای در حال توسعه و حامیان روش اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان را فراهم آورد و می‌توان امیدوار بود که در مذاکرات آتی

سازمان، حساسیت برخی از اعضا درباره اصلاح سازوکار تصمیم گیری سازمان جهانی تجارت کاهش پیدا کند.

۳-۴. اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی

طبق اساس نامه سازمان جهانی تجارت همه اعضا موظف به اجرای کامل تعهدات خود ذیل موافقت نامه های سازمان هستند و سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی برای نظارت بر اجرای دقیق موافقت نامه در نظر گرفته شده است؛ اما اجرای الزامات مربوط به شفافیت و اطلاع رسانی یکی از موضوعات جنجال برانگیز در سال های گذشته بوده و پیشنهادهایی برای اصلاح این فرایند به سازمان جهانی تجارت ارسال شده است.

موضوع شفافیت به صورت ذاتی یکی از مباحث پذیرفته شده در کشورهای توسعه یافته است و در قوانین داخلی این کشورها به مثابه حق دسترسی به اطلاعات شناخته می شود. در مقابل در قوانین داخلی کشورهای کم تر توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه به حق دسترسی به اطلاعات کم تر توجه می شود و شفافیت در این کشورها کم تر است.

کشورهای توسعه یافته در سال های گذشته برای بهبود عملکرد شفافیت و نظارت موجود در موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت پیشنهادهایی ارائه کرده اند. ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و ژاپن از طرفداران اصلی بهبود سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی هستند که در مواردی برخی از کشورهای در حال توسعه را نیز با خود همراه ساخته اند. در طرف مقابل هم کشورهای در حال توسعه به رهبری هند مخالفت های خود را با پیشنهاد های کشورهای توسعه یافته اعلام نموده اند. در ادامه به مهم ترین پیشنهاد های کشورهای توسعه یافته و استدلال های کشورهای در حال توسعه در رد کلی این استدلال ها اشاره می شود.

۳-۴-۱. پیشنهاد های کشورهای توسعه یافته جهت اصلاح سازوکار شفافیت

و اطلاع رسانی

کشورهای توسعه یافته تاکنون چند پیشنهاد برای اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی سازمان جهانی تجارت ارسال کرده اند که آخرین و در عین حال مهم ترین پیشنهاد را می توان پیشنهاد نمایندگان کشورهای ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا، آرژانتین، استرالیا، کاستاریکا، رژیم صهیونیستی، تایوان و پینگو^۱ دانست.



این پیشنهاد که در بیانیه‌ای در مارس ۲۰۲۰ به دبیرخانه سازمان ارائه شده، با تأکید بر لزوم اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع‌رسانی، خواستار بهبود کارایی آن گشته است. این کشورها در ادامه منظور خود را از شفافیت به شرح زیر اعلام کرده‌اند. هدف اصلی از شفافیت و اطلاع‌رسانی در ارتباط با موافقت‌نامه‌های زیر است:

- ♦ موافقت‌نامه کشاورزی؛
- ♦ موافقت‌نامه در مورد اجرای ماده ۵ موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ (اقدامات ضد قیمت‌شکنی)؛
- ♦ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی؛
- ♦ موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی؛
- ♦ تفسیر ماده ۱۷ از موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ (تجارت دولتی)؛
- ♦ تفسیر ماده ۷ از موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ (ارزیابی گمرکی) (WTO, 2020).

این بیانیه اطلاع‌رسانی را یکی از عملکردهای منظم سازمان جهانی تجارت معرفی می‌کند و به شورای عمومی «شورای کالای سازمان» پیشنهاد می‌دهد نهادی را برای پیگیری امور مربوط به تقویت و افزایش شفافیت و بهبود عملکرد الزامات اطلاع‌رسانی در سازمان ایجاد کند تا این نهاد با قرار دادن اقدامات تنبیهی سنگین برای اعضا، از آن‌ها بخواهد که به‌طور سالانه گزارش‌های منظمی را درباره وضعیت خود در شفافیت و اطلاع‌رسانی به این نهاد ارسال کنند. همچنین اعضا به‌طور داوطلبانه عدم انطباق خود را با الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی به سازمان اعلام و زمان مشخصی را برای رفع کاستی‌های خود مشخص نمایند و در صورتی که نتوانند به تعهدات خود در موعد مقرر عمل کنند، تنبیه شوند (WTO, 2020).

۳-۴-۲. پیشنهادهای کشورهای در حال توسعه برای اصلاح سازوکار شفافیت

و اطلاع‌رسانی

کشورهای در حال توسعه برای مقابله با پیشنهادهای کشورهای توسعه‌یافته مواردی را توصیه کردند. در مهم‌ترین اقدام، کشورهای هند، آفریقای جنوبی، عمان، مالای، تونس، بولیوی، کوبا، اکوادور، اوگاندا و زیمبابوه در بیانیه‌ای استدلال کرده‌اند که عدم انطباق کشورهای در حال توسعه با الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی سازمان جهانی تجارت عمدی نیست و این کشورها به دلایل محدودیت در ظرفیت‌های داخلی خود توانایی همراهی با تعهدات اطلاع‌رسانی سازمان را ندارند و سخت‌گیرانه‌تر کردن تنبیهات مربوط به عدم اجرای الزامات اطلاع‌رسانی، کمکی به بهبود شرایط موجود نخواهد کرد.

این کشورها در ادامه اظهار می‌کنند: «کشورهای در حال توسعه به دلیل محدودیت‌های منابع انسانی و ظرفیت نهادی خود، در رعایت کلیه تعهدات اطلاع‌رسانی با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. هرگونه عدم انطباق عمدی نیست و تعهدات معاهدات باید با حسن نیت انجام شوند و این کشورها علی‌رغم داشتن اهداف عالی به دلیل عدم سطح توسعه مناسب توانایی انجام کلیه الزامات مربوط به شفافیت و اطلاع‌رسانی را ندارند. این کشورها مخالفت خود را با هرگونه تعهد اضافی در این مورد اعلام و عنوان می‌کنند که ظرفیت‌های موجود باید در جهت پیشرفت کشورهای در حال توسعه استفاده شود و کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند به عنوان الگوهایی برای سایرین اقدام به ارائه اطلاع‌رسانی‌های به موقع و دقیق نمایند» (WTO, 2019).

همچنین در «بند ۱۲ از ماده ۵» بیانیه مذکور، کشورهای در حال توسعه پیشنهاد‌های خود را برای اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع‌رسانی سازمان جهانی تجارت به شرح زیر اعلام کرده‌اند:

برخی از اعضای سازمان به دنبال یافتن راه‌هایی ابتکاری برای تضعیف تعهدات خود ذیل موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت و عدم اجرای روح موافقت‌نامه‌های سازمان هستند. مباحث مربوط به شفافیت نباید بیشتر از ظرفیت کشورها در توانایی اجرای تعهدات باشد. نخستین قدم‌ها در شفافیت و اطلاع‌رسانی برای از بین بردن موانع در اجرای صحیح تعهدات باید به صورت زیر باشد:

❖ اطلاع‌رسانی منظم درباره الزامات مربوط به «تعهدات حالت چهار»^(۱) اعضا و تأثیرگذاری آن بر جابه‌جایی افراد؛

❖ بند ۲ از ماده ۶ موافقت‌نامه ترپیس که در آن کشورهای توسعه‌یافته به انتقال فناوری به کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته متعهد می‌شوند. شفافیت در این مورد بیشتر به کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته جهت ایجاد یک منبع بادوام و مناسب فناوری کمک می‌کند؛

❖ افشا کردن خاستگاه اصلی دانش سنتی و منابع ژنتیکی در ثبت اختراع‌ها؛

❖ شفافیت در تعرفه‌ها؛ «تعرفه‌های مرکب»^۱ باید به تعرفه‌هایی متناسب با قیمت اولیه کالا تبدیل شوند (WTO, 2019).

همان‌طور که در استدلال‌های طرفین مشاهده می‌شود هر دو طرف توسعه‌یافته و در حال توسعه موضوع شفافیت و اطلاع‌رسانی را در جهت منافع خود تفسیر می‌کنند. کشورهای توسعه‌یافته به دنبال تقویت الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی در جهت اجرای

1. non-ad valorem



دقیق موافقت‌نامه‌ها و پایبند کردن اعضای در حال توسعه به اجرای کامل موافقت‌نامه‌های سازمان هستند و در مقابل کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کنند با تأکید بر برخی از بندهای موافقت‌نامه‌های سازمان به کشورهای توسعه‌یافته یادآوری نمایند که این کشورها تعهداتی در جهت پیشرفت اعضای کم‌تر توسعه‌یافته سازمان دارند و قبل از تأکید بر بهبود سازوکار شفافیت و اطلاع‌رسانی در سازمان، باید به تعهدات خود در کمک به سایر اعضا برای رسیدن به توسعه پایدار عمل کنند تا سایر کشورها توانایی اجرای الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی را بیابند.

۳-۵. موضوعات جدید در اصلاحات سازمان جهانی تجارت

در ۲۶ سالی که از تأسیس سازمان جهانی تجارت گذشته، تجارت بین‌الملل دستخوش تغییرات زیادی شده است و موضوعاتی مانند تجارت الکترونیک، انتقال اجباری تکنولوژی و احیای مجدد شرکت‌های دولتی نگرانی‌های جدیدی برای برخی از اعضای سازمان به وجود آورده است و به همین دلیل موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل نیاز سازمان به اصلاحات را افزایش داده‌اند. در ادامه تلاش می‌شود نظرات کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه درباره برخی از موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت بررسی گردد.

۳-۵-۱. کشورهای توسعه‌یافته و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل

کشورهای توسعه‌یافته در سال‌های گذشته مخالفت خود را با احیای مذاکرات دور دوحه اعلام کردند. این کشورها معتقدند که شرایط دنیا و موضوعات روز در سازمان جهانی تجارت نسبت به سال‌های اولیه هزاره سوم و شروع مذاکرات دور دوحه به کلی دگرگون گشته و موضوعات جدیدی در تجارت بین‌الملل ظاهر شده‌اند که اهمیت فراوانی دارند. این کشورها موضوعاتی مانند قانونمند ساختن فعالیت شرکت‌های با مالکیت دولتی، ایجاد قوانینی جهت سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و به‌ویژه بحث انتقال اجباری تکنولوژی و رفع موانع غیرمجاز در تجارت الکترونیک را اصلی‌ترین دغدغه‌های تجارت بین‌الملل معرفی می‌کنند.

علی‌رغم گذشت بیش از ۳۰ سال از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اقتصاد دولتی در این کشور، در دهه گذشته شرکت‌های دولتی مورد انتقاد کشورهای توسعه‌یافته در برخی از کشورهای دنیا احیا شده‌اند و کشورهایی مانند روسیه، چین، هند و امارات متحده عربی اقدام به احیای شرکت‌های دولتی با سازوکارهای جدیدی

نموده‌اند. در سال ۲۰۱۳ در حدود ۸۱ درصد از درآمد ۱۰ شرکت برتر کشور روسیه مربوط به شرکت‌های دولتی بود؛ این رقم برای کشور برزیل ۵۰ درصد، امارات متحده عربی ۸۸ درصد، هند ۵۹ درصد و فرانسه ۱۷ درصد محاسبه شد. این شرکت‌ها به اشکال مختلفی از یارانه‌های دولتی بهره‌مند می‌شوند و مانع رقابت آزاد در تجارت بین‌الملل به شمار می‌روند. به‌طور مثال می‌توان شرکت‌های حمل‌ونقل هوایی را در خاورمیانه و ترکیه و چین مشاهده کرد که موجبات تضعیف خطوط هوایی کشورهای مانند ایالات متحده آمریکا، اروپا و استرالیا را فراهم آورده‌اند. کشورهای توسعه‌یافته که از احیای شرکت‌های دولتی متضرر شده‌اند معتقدند باید با رویه‌های خسارت‌بار این شرکت‌های دولتی مقابله کرد. به اعتقاد این کشورها اعطای وام‌های خاص دولتی و یارانه‌های پنهان متفاوت به چنین شرکت‌هایی شرایطی غیررقابتی را فراهم می‌آورد و سازمان جهانی تجارت باید قوانین مؤثری را در مقابل رفتارهای مزاحمت‌آمیز شرکت‌های تحت کنترل دولت‌ها به تصویب برساند (Duesterberg, 2019, p. 7).

در مورد انتقال اجباری فناوری، کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه ایالات متحده معتقدند که سازمان جهانی تجارت باید برای ممنوعیت انتقال اجباری تکنولوژی به کشورهای توسعه‌یافته سازوکاری فراهم کند؛ زیرا کشورهای توسعه‌یافته، به‌خصوص چین با عنوان کردن محدودیت‌هایی مانند الزامات داخلی برای سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد محدودیت برای شرکت‌های با مالکیت خارجی در این کشور، شرکت‌های خارجی را برای انتقال فناوری از کشور مبدأ خود به این کشور زیر فشار قرار می‌دهند. این موضوع منفعت سرمایه‌گذاری و توانایی رقابت شرکت‌های آمریکایی را در بازار جهانی کاهش داده است. در اجلاس سه‌جانبه‌ای که بین اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ژاپن در سپتامبر ۲۰۱۸ برگزار شد، طرفین طی بیانیه‌ای اعلام کردند:

با یادآوری این موضوع که سیاست‌ها و روش‌های انتقال اجباری فناوری علاوه بر ایجاد شرایط رقابتی ناعادلانه برای کارگران و مشاغل آنان، مانع توسعه و استفاده از فناوری‌های نوآورانه و عملکرد صحیح تجارت بین‌الملل می‌شود، وزرای این سه عضو متعهد می‌گردند که برای متوقف ساختن مؤثر انتقال اجباری تکنولوژی با سایر اعضای همفکر در سازمان جهانی تجارت همکاری کنند و به دنبال ایجاد قوانین جدیدی در سازمان جهانی تجارت به‌عنوان ابزاری جهت رفع این مشکل باشند (European Commission, 2018, p. 2).

علاوه بر این، تجارت الکترونیک یکی دیگر از مباحث مطرح توسط کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود. «در اوایل



سال ۲۰۱۹ چندین عضو مهم سازمان از جمله ایالات متحده و چین پیشنهادهای قابل توجهی را در حوزه تجارت الکترونیک بین الملل ارائه داده‌اند و به نظر می‌رسد کشورها در مورد موضوعات کم‌تر بحث‌برانگیز مانند ممنوعیت پیام‌های الکترونیکی تجاری ناخواسته، اطمینان از صحت قراردادهای الکترونیکی، محافظت از مصرف‌کنندگان آنلاین در برابر اقدامات کلاهبردارانه یا فریبنده تجاری و به رسمیت شناختن مجوز الکترونیکی و امضاهای الکترونیکی توافق دارند، اما سه عضو برجسته سازمان، چین و اتحادیه اروپا و ایالات متحده در رویکردهای خود نسبت به موضوعات چالش‌برانگیزتر اختلافات زیادی را عنوان می‌کنند. این موضوعات عبارت‌اند از: جریان داده‌ها، محلی‌سازی داده‌ها، حمله به حریم خصوصی توسط جمع‌کننده‌های داده‌ها، انتقال کد منبع، تحمیل حقوق گمرکی، مالیات اینترنت و سانسور اینترنت» (Hufbauer, Zhiyao, 2019).

۳-۵-۲. کشورهای در حال توسعه و موضوعات جدید در تجارت بین الملل

اکثر کشورهای در حال توسعه در مباحث مربوط به موضوعات جدید در تجارت بین الملل به پیشنهادهای کشورهای توسعه‌یافته واکنش نشان می‌دهند و مخالف مطرح‌شدن موضوعات جدید در تجارت بین الملل هستند و معتقدند ابتدا باید مذاکرات دور توسعه دوحه با یک نتیجه‌گیری کلی به پایان برسد و پس از آن مباحث جدیدتر مطرح شوند. فروپاشی مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۸ شکاف بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته را بیشتر نمایان کرد. هم‌نظر بودن کشورهای در حال توسعه در موضوعاتی مانند تعرفه وارداتی برای پارچه و منسوجات و ماهی و محصولات دریایی باعث شد که این کشورها ائتلاف‌های گسترده‌ای مانند گروه کشورهای آفریقایی و گروه کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته در سازمان ایجاد و به صورت منسجم‌تر و با هماهنگی بیشتری با هم تلاش کنند.

از دید کشورهای در حال توسعه، مذاکرات دور توسعه دوحه باید به نتیجه‌گیری و تعهد واحد^۱ منجر می‌شد. این کشورها مخالفت خود را با تلاش برای به حاشیه رانده شدن مذاکرات دور دوحه به دست کشورهای توسعه‌یافته و تلاش آن‌ها برای شروع دور جدیدی از مذاکرات برای موضوعات جدید در تجارت بین الملل اعلام کردند.

کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت مخالف تمرکز بر روی موضوعات جدید مانند سرمایه‌گذاری، رقابت، انرژی و تغییرات آب‌وهوا و به حاشیه راندن دور

1. single undertaking

توسعه دوحه بودند و استدلال می کردند که اگر قرار باشد مسئله ای زودتر به نتیجه برسد، اولویت باید با موضوعاتی در جهت منافع کشورهای کم تر توسعه یافته و موضوعاتی مانند دسترسی آزاد و بدون تعرفه به بازار پنبه برای کشورهای کم تر توسعه یافته باشد؛ این موضوعات باعث شد که هشتمین کنفرانس وزرای سازمان در دسامبر ۲۰۱۱ بدون هیچ راه حلی برای خروج از بن بست به پایان برسد (Ismail, 2020, p. 53).

در کنفرانس وزرای بالی در سال ۲۰۱۳ و کنفرانس وزرای نایروبی در ۲۰۱۵ نیز بیشتر به نگرانی های کشورهای توسعه یافته در مورد موضوعات جدید در تجارت بین الملل پرداخته شد و موضوعات مورد علاقه کشورهای در حال توسعه به کنفرانس های بعدی موکول گشت. این کشورها نیز در چند بیانیه نگرانی های خود را از خروجی این دو کنفرانس اعلام کردند. به طور کلی می توان گفت در هر کنفرانسی که پس از فروپاشی دور دوحه برگزار شده، فاصله بین خواسته های کشورهای در حال توسعه و خواسته های کشورهای توسعه یافته افزایش یافته است.

کنفرانس وزرای یازدهم در بوئنوس آیرس آرژانتین در سال ۲۰۱۷ را می توان اوج اختلاف کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه در مورد موضوعات جدید در سازمان جهانی تجارت دانست. در این کنفرانس موضوعات جدیدی که قبلاً در سازمان جهانی تجارت درباره آن ها بحث نشده بود، از جمله تسهیل سرمایه گذاری و مشارکت شرکت های خرد، کوچک و متوسط^۱ در تجارت بین الملل نیز وارد مذاکرات شد و باعث افزایش اختلافات گشت و سرانجام این کنفرانس بدون هیچ گونه دستاوردی پایان یافت. در کنفرانس وزرای یازدهم که اولین کنفرانس پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده محسوب می شد، فشار کشورهای توسعه یافته بر روی موضوعاتی مانند تجارت الکترونیک، تسهیل سرمایه گذاری و مشارکت شرکت های خرد، کوچک و متوسط در تجارت بین الملل، اختلافات زیادی بین کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته و همچنین بین کشورهای در حال توسعه با یکدیگر ایجاد کرد و باعث شد که هیچ توافقی حتی در مورد موضوعاتی فراگیر بین همه اعضا مانند یارانه شیلات به دست نیاید و زمینه ساز ایجاد موج جدید اصلاحات در سازمان جهانی تجارت با رویکردی تهاجمی تر و تفرقه انگیز تر گشت (Ismail, 2020, p. 42).

گفتنی است به علت شرایط ناشی از همه گیری ویروس کرونا و در حالی که قرار بود کنفرانس وزرای دوازدهم در سال ۲۰۲۰ در نورسلطان برگزار شود، این کنفرانس به



ماه نوامبر ۲۰۲۱ و شهر ژنو موکول گشت و به نظر می‌رسد در کنفرانس آینده سازمان نیز اختلافاتی درباره نتیجه‌گیری از دور توسعه دوحه یا موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل یکی از اختلافات اصلی در شروع مذاکرات باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد محورهای اصلی پیشنهادهای اعضا جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت بررسی شود. به همین منظور موضوعاتی مانند اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان، اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع‌رسانی، اصلاح شیوه‌های تصمیم‌گیری، موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و همچنین بحران در رکن حل اختلاف از دیدگاه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در سازمان مورد بررسی قرار گرفت.

بی‌نتیجه ماندن مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۸ اصلاح روش‌های تصمیم‌گیری جماعی در سازمان جهانی تجارت را در کانون توجهات قرار داد و پیشنهادهای کشورهای توسعه‌یافته جهت اصلاح سازوکار تصمیم‌گیری را می‌توان به‌نوعی واگرایی اقتصادی تعبیر کرد. کشورهای توسعه‌یافته سند دوحه را با منافع تجاری خود سازگار ندانسته و به تدریج از اجرای تعهدات خود شانه خالی کرده‌اند و مایل نیستند برای پیشرفت جهانی‌شدن امتیاز تجاری بدهند و کشورهای در حال توسعه را از راه دسترسی به بازار توانمند سازند. آنان مذاکره در باب سیاست‌های تجاری و دستور کار سازمان را در یک گروه کوچک ذی‌نفوذ جست‌وجو می‌کنند تا نتیجه آن به دیگر اعضا ارائه شود و به عبارت دیگر قرار است آزادسازی، جهان‌شمولی و شفافیت نئولیبرال جای خود را به رفتار گزینشی ترجیحات تجاری برای شرکای خاص و روش‌های نیمه‌شفاف بدهد که در آن کشورهای بزرگ و قدرتمند درباره آرای مهم و چهارچوب آن‌ها تصمیم‌گیری نمایند و سپس جزئیات را به سایر کشورها ارائه کنند. اگر در حال حاضر همه اعضای سازمان دارای حق وتو هستند، با طرح جدید می‌توانند سریعاً شورای امنیت سازمان ملل را در سازمان جهانی تجارت ایجاد نمایند.

پس از بحران ایجادشده در رکن حل اختلاف سازمان در سال ۲۰۱۸، موضوعات دیگری مانند اصلاح سازوکار حل اختلاف و موضوعات جدیدتر در تجارت بین‌الملل نیز مورد توجه اصلاحات سازمان قرار گرفت.

کشمکش همیشگی بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته در سازمان جهانی تجارت در بحث اصلاحات سازمان کاملاً نمایان است: کشورهای توسعه‌یافته معتقدند که چیدمان توسعه‌یافتگی کشورها برای بهره‌مندی از رفتار متمایز

و ویژه باید تغییر کند، موضوعات جدید در تجارت بین الملل وارد موافقت نامه های سازمان شود و سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی تقویت گردد. در مقابل کشورهای درحال توسعه مخالف دیدگاه های کشورهای توسعه یافته در تمامی این مباحث و حامیان اصلی اجماع در تصمیم گیری ها هستند و شیوه کنونی اجرای رفتار متمایز و ویژه در سازمان را بهترین روش برای کمک به توسعه کشورهای درحال توسعه می دانند. این کشورها همچنین هدف نهایی سازمان جهانی تجارت را توسعه همه اعضا عنوان کرده و معتقدند برای شروع دور جدید مذاکرات درباره موضوعات جدید در سازمان باید ابتدا موضوعات دور توسعه دوحه با یک نتیجه گیری کلی به تصویب برسد و سپس مذاکرات بعدی آغاز شود. کشورهای درحال توسعه اصلاح سازوکار شفافیت و اطلاع رسانی را نیز در جهتی که کشورهای توسعه یافته به تعهدات توسعه ای خود عمل کنند ضروری می دانند و به نوعی مخالف اصلاح، به نحو مطلوب کشورهای توسعه یافته هستند.

در بحث بحران در رکن حل اختلاف نیز اتحادیه اروپا مخالفت خود را با رویه ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است و در همکاری نزدیک با کشورهای درحال توسعه به دنبال ارائه راهکارهایی برای حل بحران مذکور است. هدف نهایی ایالات متحده آمریکا از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف به طور دقیق مشخص نیست و برخی از محققان معتقدند که شرایط کنونی سازمان جهانی تجارت و رکن استیناف دیگر برآورده کننده منافع ایالات متحده نیست و این کشور قصد دارد سازمان جهانی تجارت را به دوران گات بازگرداند. در مقابل، گروهی اعتقاد دارند که هدف اصلی ایالات متحده آمریکا متعادل کردن شرایط کنونی سازمان در جهت منافع خود و استفاده از اهرم بحران در رکن حل اختلاف برای گرفتن امتیازات بیشتر در اصلاحات احتمالی و آینده سازمان است.

بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت را می توان نوعی بازگشت ایالات متحده آمریکا به لیبرالیسم اقتصادی دانست که منافع شرکت ها و مؤسسات آمریکایی را بر منافع جمعی و توافق جمعی که در روند جهانی شدن شکل گرفته بودند، ترجیح می دهد.

گفتنی است که کنفرانس های وزرای سازمان پس از فروپاشی مذاکرات دور دوحه نتوانسته است اختلافات بین اعضا را کاهش دهد. کنفرانس وزرای بالی در سال ۲۰۱۳ و کنفرانس وزرای نایروبی در ۲۰۱۵ و سرانجام کنفرانس وزرای بوئنوس آیرس در ۲۰۱۷ روزه روز اختلافات بین اعضای توسعه یافته و درحال توسعه را آشکارتر کردند؛



اما اتفاقات سال‌های گذشته نظیر بحران در رکن حل اختلاف سازمان، همه‌گیری ویروس کرونا و رکود ناشی از آن در تجارت جهانی و لزوم احیای سازمان جهانی تجارت و همچنین تغییر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۰ کنفرانس وزرای آتی سازمان جهانی تجارت را که قرار است در نوامبر ۲۰۲۱ در ژنو برگزار شود، به کنفرانس بسیار مهمی در تاریخ سازمان جهانی تجارت تبدیل کرده است که می‌تواند به نقطه عطفی در تاریخ این سازمان بدل شود.

فهرست منابع

- شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۲). *آینده سازمان تجارت جهانی فراتراز مدل کلوب*. فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۶۹، صص ۱۱۳-۱۳۱.
- فاخری، مهدی (۱۳۹۹). *آمریکا و چالش سازوکار رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت*. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۱۷، صص ۲۱-۳۹.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۸). *لیبرالیسم: جوهره جهانی شدن. اطلاعات سیاسی اقتصادی*، (۲۶۸). صص ۴۸-۵۸.



References

- Akman, M. Sait, Axel Berger, Peter Draper, Andreas Freytag, Claudia Schmucker (2020). THE NEED FOR WTO REFORM: WHERE TO START IN GOVERNING WORLD TRADE?. T20 Saudi Arabia Policy Briefs, available at: https://www.g20-insights.org/policy_briefs/the-need-for-wto-reform-where-to-start-in-governing-world-trade/ (accessed September 12, 2021)
- Ansong, Alex (2012). The WTO Decision-Making Process: Problems and Possible Solutions, Social Science Research Network. Available at or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2180230> (accessed September 12, 2021)
- Bacchus, James, and InuManak (2020). The Development Dimension: What to Do About Differential Treatment in Trade. Policy Analysis No. 887, Cato Institute, Washington, DC, April 13. <https://doi.org/10.36009/PA.887> (accessed September 12, 2021)
- Chang-fa, L., Nakagawa, J., Tsai-Fang, C (2020). The Appellate Body of the WTO and Its Reform. Tokyo, Springer Nature eBook, doi: <https://doi.org/10.1007/978-981-15-0255-2> (accessed September 12, 2021).
- Chatham House (2020). the Royal Institute of International Affairs, US and the Americas Programme, Reforming the World Trade Organization Prospects for transatlantic cooperation and the global trade system. available at: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2020-09-11-reforming-wto-schneider-petsinger.pdf> (accessed September 11, 2021).
- Daniels, Laura von, Doge, Susanne, Bogner, Alexandra (2019). Ways Out of the WTO's December Crisis, SWP Comments German Institute for International and Security Affairs. doi: <https://doi.org/10.18449/2019C46> (accessed September 12, 2021)
- Duesterberg J. Thomas (2019). The Importance of WTO Reform from a Transatlantic Perspective. Washington, D.C, Hudson Institute.
- European Council (2018). Concept paper of WTO modernization, Introduction to future EU proposals. available at: https://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2018/september/tradoc_157331.pdf (accessed September 12, 2021)
- Hoekman, Bernard (2011). Proposals for WTO Reform: A Synthesis and Assessment. World Bank Policy Research Working Paper 5525 DOI:10.1093/oxfordhb/9780199586103.013.0034 (accessed September 12, 2021).
- Hoekman, Bernard and Mavroidis, Petros C. and Saluste, Maarja (October 2020). Informing WTO Reform: Dispute Settlement Performance, 1995-2020. Robert Schuman Centre for Advanced Studies Research Paper No. RSCAS 2020/59, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3706775> (accessed September 12, 2021)
- Hufbauer, G. & Zhiyao, L. (2019). Global e-commerce talks stumble on data issues, privacy, and more (PIIE Policy Brief 19-14). Peterson Institute for International Economics. Retrieved from: <https://www.piie.com/sites/default/files/documents/pb19-14.pdf>

- Ismail, Faizel (2020). WTO reform and the crisis of multilateralism A Developing Country Perspective. South Centre and Trade & Industrial Policy Strategies. Available at: southcentre.int/wp-content/uploads/2020/09/Bk_2020_WTO-reform-and-the-crisis-of-multilateralism_EN.pdf
- Keohane, Robert (1984). AfterHegemony: Cooperation and Discordin the world political economy. Princeton University press.
- U.S. MISSION TO INTERNATIONAL ORGANIZATIONS IN GENEVA (December 18, 2018). STATEMENT BY THE UNITED STATES ON THE PRECEDENTIAL VALUE OF PANEL OR APPELLATE BODY REPORTS UNDER THE WTO AGREEMENT AND DSU, available at: https://www.geneva.usmission.gov/wp-content/uploads/sites/290/Oct29_DSB_Stmt_as-delivered.fin_rev_public.pdf (accessed September 11, 2021)
- World Trade Organization (2021). Special and differential treatment provisions, available. at:https://www.wto.org/english/tratop_e/devel_e/dev_special_differential_provisions_e.htm(accessed September 12, 2021).
- World Trade Organization, General Council (2019). STATEMENT ON SPECIAL AND DIFFERENTIAL TREATMENT TO PROMOTE DEVELOPMENT. available at: <https://www.docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/GC/202R1.pdf&Open=True>(access ed September 12, 2021)
- World Trade Organization, General Council (28 February and 1 March 2019). THE CONTINUED RELEVANCE OF SPECIAL AND DIFFERENTIAL TREATMENT IN FAVOUR OF DEVELOPING MEMBERS TO PROMOTE DEVELOPMENT AND ENSURE INCLUSIVENESS, available at: <https://www.docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/GC/W765R2.pdf>(accessed September 12, 2021)